زنان سالخورده و حقوقی که به آن نمی‌رسند

در طول ۳۵سال آتی، در سطح جهان تعداد افراد بالای ۶۰سال از افراد زیر ۱۵ سال، بیشتر خواهد بود. همچنین طبق برخی گزارشات، در سال ۲۰۵۰، رقم فعلی ۱۱درصد جمعیت افراد سالخورده از کل جهان، ۲ برابر می‌شود و بدین ترتیب افراد بالای ۶۰ سال، ۲۲درصد از جمعیت کل جهان را تشکیل خواهند داد. به‌گفته مجید کوشنشی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران طی ۴۰سال گذشته تعداد سالمندان در ایران از ۱.۶ به ۶.۲میلیون نفر رسیده به‌طوری که این میزان حدود ۴برابر شده و این درحالی است که جمعیت کشور این اندازه رشد نداشت. در صورتی که رشد جمعیت اوایل دهه ۶۰ در کشور ادامه می‌یافت (به ازای هر زن ۶ فرزند به‌دنیا می‌آمد) در سال ۱۴۴۰ جمعیت ایران به ۱.۶ میلیارد نفر می‌رسید که ۳درصد آن را جمعیت سالمند (۴۰میلیون نفر) به خود تخصیص می‌داد.

مسأله سالخورده شدن جمعیت، امری مختص به گروه خاصی از کشورها نیست، بلکه هم کشورهای درحال توسعه و هم کشورهای توسعه یافته با این امر مواجهاند. با این وجود، در این زمینه تفاوت‌هایی میان این ۲ دسته کشور وجود دارد. از دیدگاه کمیته منع جمعیت علیه زنان، تعداد افراد سالخورده در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از سایر کشورها خواهد بود؛ چنانچه این رقم از ۸درصد در سال ۲۰۱۰ به ۲۰درصد در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید. درحالی که جمعیت کودکان از ۲۹درصد به ۲۵درصد می‌رسد. تعداد زنان سالخورده، در مناطق کمتر توسعه‌یافته، تا ۶۰۰میلیون نفر در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ افزایش خواهد یافت. این تغییر بافت جمعیتی و سالخورده شدن جمعیت، ممکن است کشورهای درحال توسعه را با چالش‌های جدی مواجه کند. سالخورده شدن جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان یک ویژگی مهم و یک روال درحال تثبیت قلمداد می‌شود.

جالب است بدانید تأثیرات ناشی از تبعیض‌های جنسیتی در سالخوردگی وخیم‌تر است و اغلب ریشه در ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی دارد. تبعیض علیه زنان سالخورده، معمولا تبعیض چندگانه است که مشتمل بر تبعیض ناشی از سن، تبعیض بر مبنای جنسیت، نژاد، معلولیت، فقر، معلولیت، وضع مهاجرت، وضع مادری و وضع خانوادگی، بیسوادی و نیز گرایشات جنسی و هویت جنسی است.

> **اکثریت زنان سالخورده در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، که دسترسی به خدمات لازم با توجه به سن و میزان فقر آنها، دشوارتر است. برخی زنان سالخورده در مناطق روستایی، کمک‌های پراکنده و ناکافی از فرزندان کارگر مهاجر خود دریافت می‌کنند**

در ایران در سال ۸۵۵، ۸درصد، در سال ۷۵ معادل ۹درصد، در سال ۸۱ معادل ۹.۱درصد و در سال ۸۸ برابر با ۱۳درصد از سالمندان جامعه تنها زندگی می‌کردند. هم اکنون ۲۱درصد زنان و ۸.۵ درصد مردان سالمند تنها زندگی می‌کنند. به ازای هر سالمند یک فرزند پسر و ۱.۳ فرزند دختر از آنها مراقبت می‌کنند. این درحالی است که همواره نسبت جنسی در بدو تولید به نفع پسران است. هم اکنون والدین از حمایت ۲.۷ فرزند در مواقع نیاز برخوردار هستند. ۲۷.۶درصد از مردان و ۱۴ درصد از زنان سالمند دارای ملکیت مسکن هستند. در آینده که زنان عمر طولانی‌تری می‌کنند زندگی آنها به دلیل آن که کمتر دارای مسکن ملکی هستند با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد.

رویه‌های سنتی، عرفی و کلیشه‌های جنسیتی، جدی مواجه کنند. سالخورده شدن جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان یک ویژگی مهم و یک روال درحال تثبیت قلمداد می‌شود.

جالب است بدانید تأثیرات ناشی از تبعیض‌های جنسیتی در سالخوردگی وخیم‌تر است و اغلب ریشه در ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی دارد. تبعیض علیه زنان سالخورده، معمولا تبعیض چندگانه است که مشتمل بر تبعیض ناشی از سن، تبعیض بر مبنای جنسیت، نژاد، معلولیت، فقر، معلولیت، وضع مهاجرت، وضع مادری و وضع خانوادگی، بیسوادی و نیز گرایشات جنسی و هویت جنسی است.

در ایران در سال ۸۵۵، ۸درصد، در سال ۷۵ معادل ۹درصد، در سال ۸۱ معادل ۹.۱درصد و در سال ۸۸ برابر با ۱۳درصد از سالمندان جامعه تنها زندگی می‌کردند. هم اکنون ۲۱درصد زنان و ۸.۵ درصد مردان سالمند تنها زندگی می‌کنند. به ازای هر سالمند یک فرزند پسر و ۱.۳ فرزند دختر از آنها مراقبت می‌کنند. این درحالی است که همواره نسبت جنسی در بدو تولید به نفع پسران است. هم اکنون والدین از حمایت ۲.۷ فرزند در مواقع نیاز برخوردار هستند. ۲۷.۶درصد از مردان و ۱۴ درصد از زنان سالمند دارای ملکیت مسکن هستند. در آینده که زنان عمر طولانی‌تری می‌کنند زندگی آنها به دلیل آن که کمتر دارای مسکن ملکی هستند با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد.

رویه‌های سنتی، عرفی و کلیشه‌های جنسیتی، می‌تواند بر همه زمینه‌های زندگی زنان سالخورده، دارای آثار مضر و مخرب باشد. در جوامعی که کلیشه‌های جنسیتی نظیر نقش پدری، مادری، مادربزرگی و پدربزرگی یا بر جاست و فرزندان و حتی خانواده گاه در قبال خویشاوندان سالخورده خود احساس مسئولیت می‌کنند، به مراتب وضع حقوق بشر سالخوردگان از هر جهت، مطلوب‌تر است. در نظام حقوقی اسلامی حتی فراتر از آموزه‌های اخلاقی صرف که دارای جنبه غیرالزام‌آور است، اساسا حقوق مشخصی برای سالخوردگان به‌خصوص مادران سالخورده، در نظر گرفته شده که ایفای این تکالیف کاملا برای فرزندان دارای جنبه الزام‌آور است.

خلأجدی جوامع غربی مبنی بر فردگرایی افراطی و انقطاع افراد از خانواده را بیش از پیش نمایان کرد. در بسیاری موارد، زنان سالخورده نقش تولیدی و بازتولیدی در زندگی ندارند. از این رو، اغلب در خانواده به‌عنوان سربار قلمداد می‌شوند. به علاوه کمیته می‌افزاید: «در عرصه اجتماع نیز کارفرمایان، اغلب، زنان سالخورده را به‌عنوان یک سرمایه غیرسودآور محسوب می‌کنند. به همین دلیل زنان سالخورده در تأمین مالی خود با مشکلات جدی مواجه‌اند.»

یکی از ابرادات جدی نقض حقوق بین‌الملل بشر، این است که همواره افراد را به‌طور انفرادی و فارغ از روابط خانوادگی می‌بینند. به همین دلیل در مواردی نظیر سالخوردگی که فرد، خود نمی‌تواند از عهده تأمین نیازهای خود برآید و درواقع نیاز به حمایت یک مرجع خارجی پیدا می‌کند، حداکثر کاری که می‌تواند بکند این است که دولت‌ها را در قبال زنان سالخورده، مسئول بداند و بر مکانیسم‌هایی نظیر تأمین اجتماعی یا موسسات نگهداری از افراد سالخورده، تأکید می‌کند. این درحالی است که در نظام حقوقی اسلام که برمبنای تحکیم و تقویت بنیان خانواده قرار دارد، هر یک از افراد خانواده در قبال دیگر افراد خانواده خصوصا اشخاص سالخورده، یک سلسله تعهدات خاصی برعهده دارد.

در این میان به‌طور خاص می‌توان به آموزه‌های مترقیانه اسلام در زمینه تکلیف افراد خانواده به «انفاق» و تأمین نیازهای مالی آنها به نحو شایسته اشاره کرد. در یک نظام اسلامی، اگرچه دولت نیز در قبال اشخاص سالخورده تعهداتی برعهده دارد، اما تعهد اولیه در این زمینه متوجه اعضای خانواده شخص سالخورده است. تجربیات ناکارآمد جوامع سکولار- لیبرال غرب بیش از پیش، عواقب سوءناشی از فردگرایی افراطی و اضمحلال خانواده بر زنان سالخورده را نمایان می‌سازد.

در بسیاری از کشورها، اکثریت زنان سالخورده در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، که دسترسی به خدمات لازم با توجه به سن و میزان فقر آنها، دشوارتر است. برخی زنان سالخورده در مناطق روستایی، کمک‌های پراکنده و ناکافی از فرزندان کارگر مهاجر خود دریافت می‌کنند. عدم دسترسی به آب، غذا و مسکن مناسب، بخشی از زندگی روزمره زنان سالخورده فقیر روستایی است. زنان سالخورده در وضعیت‌های پناهندگی، بی‌تابعیتی یا کسانی که در یک کشور، بی‌خانمان هستند، یا کارگران مهاجر، اغلب با اعمال تبعیض، آزار، اذیت، قصور و بی‌توجهی مواجه‌اند. زنان سالخورده پناهنده و بی‌خانمان به علت عدم برخورداری از وضع حقوقی مشخص، در برخی موارد از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و درمانی منع می‌شوند. همچنین به دلیل فقدان اسناد و مدارک قانونی و فقدان دسترسی به خدمات سلامت و بهداشت، از مراقبت‌های لازم برخوردار نمی‌شوند. همچنین معضلات مربوط به زبان و فرهنگ آنان، خود می‌تواند به‌عنوان یک مانع در حصول دسترسی آنان به خدمات مورد نیاز باشد.

تعداد زنان شاغل در بخش اشتغال رسمی، از مردان کمتر است. زنان همچنین اغلب برای کار با ارزش مساوی با کار یکسان با مردان، پول کمتری دریافت می‌کنند. تبعیض مبتنی بر جنسیت در اشتغال، دارای آثار گسترده‌ای بر زندگی زنان در سنین سالخوردگی است و سبب می‌شود که زنان سالخورده از درآمد نامتناسب با پایین‌تر برخوردار شوند. حقوق بازنشستگی زنان غالبا بر مبنای دستمزد آنها تعیین می‌شود، از این رو، زنان اغلب حقوق بازنشستگی (مستمری) کمتری دریافت می‌کنند. سن بازنشستگی برای زنان باید جنبه اختیاری داشته باشد تا در صورت تمایل آنها بتوان از حقوق آنان حمایت به عمل آورد.

تغییرات آب و هوایی، زنان، خصوصا زنان سالخورده را به‌طور متفاوت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. زنان سالخورده باتوجه به تفاوت‌های فیزیکی و بیولوژیکی آسیب‌پذیرترند و این امر می‌تواند واکنش آنها در قبال چالش‌های طبیعی و هنجارهای اجتماعی را، خصوصا با توجه به نقش آنها در بلایای طبیعی، تحت‌تأثیر سوء قرار دهد و می‌تواند ناشی از توزیع نامعادلانه مساعدت‌ها و منابع باشد که توسط طبقات اجتماعی ایجاد شده است و دسترسی محدود آنها به منابع و فرآیندهای تصمیم‌سازی، آسیب‌پذیری زنان در برابر تغییرات آب و هوایی را افزایش می‌دهد.

جای خالی بهزیستی در نخستین مرکز تخصصی مشاوره ازدواج!

خبر خوبی بود. خبر این بود که بالاخره انتظار به‌سر رسید و مدیرکل دفتر ازدواج و تعالی خانواده وزارت ورزش و جوانان، اطلاع داد، نخستین مراکز تخصصی مشاوره ازدواج راه‌اندازی می‌شود. بهمن بهمنی گفته بود، مجوزهای فعالیت این مراکز با همکاری سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور صادر شده است. همچنین جلسات آموزشی و توجیهی پروتکل ملی ازدواج نیز از روز افتتاح آغاز می‌شود تا مشاوران امور ازدواج بر اساس آن فعالیت‌های خود را انجام دهند.

اما پس این وسط نقش بهزیستی چه می‌شود؟

سرپرست دفتر مشاوره و امور روانشناختی بهزیستی کشور با تأکید بر این که بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی صدور مجوز فعالیت مراکز مشاوره پیش از ازدواج و خانواده به‌عهده سازمان بهزیستی کشور است، گفته است، سازمان روانشناسی تنها صلاحیت علمی و تخصصی متقاضیان به تأسیس مراکز مشاوره را استعلام و تأیید می‌کند.

تاکنون برنامه‌های متعددی توسط معاونت پیشگیری بهزیستی در سال‌های اخیر اجرا شده است که از آن جمله می‌توان به آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس، موضوع سبک زندگی و مهارت زندگی اشاره کرد. آموزش پیش از ازدواج یکی دیگر از ماموریت‌های تعریف شده از سوی معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی کشور است و این فعالیت ازسال ۱۳۸۱ کلید خورد و به‌عنوانی که طرح پیشگیری از طلاق، ابداع و اجرا شده است. ازسال ۱۳۷۵ نیز سازمان بهزیستی کشور موضوع آموزش زندگی خانواده را در دستورکار خود قرار داد. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که در تمامی این سال‌ها سازمان بهزیستی کشور به دنبال افزایش نظارت، ارتقا و آموزش به مراکز مشاوره و آموزش مشاوران بوده و اقدامات گسترده‌ای را در این زمینه انجام داده است که از آن جمله می‌توان به آموزش مشاوران در حوزه ازدواج و خانواده اشاره کرد.

از سال ۸۰، سازمان روانشناسی و مشاوره ایران براساس مصوبه مجلس تأسیس و فعالیت خود را آغاز کرد. سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان یک نهاد حاکمیتی و براساس مصوبه مجلس مکلف به ارایه مجوز به مراکز مشاوره است که البته در این زمینه با سازمان روانشناسی همکاری داشته و دارد که بر براساس مفاد این تفاهمنامه مقرر شد که همکاری‌های دوجانبه‌ای میان سازمان بهزیستی کشور و سازمان نظام روانشناسی صورت بگیرد و درواقع تأسیس مراکز مشاوره و خدمات روانشناختی می‌بایست صرفا از طریق سازمان بهزیستی کشور صورت گیرد و سازمان بهزیستی کشور بدوا صلاحیت علمی و تخصصی متقاضیان را از طریق سازمان نظام روانشناسی پیگیری و استعلام کند. چنانچه خدمات روانشناسی با تخصص‌های متعدد پراکنده شود نمی‌توان خدمات خوبی را که باید به جامعه هدف ارایه شود، تمامی خدمات باید به‌صورت متمرکز و به لحاظ حاکمیتی زیرمجموعه سازمان بهزیستی کشور قرار گیرد. سرپرست دفتر مشاوره و امور روانشناختی بهزیستی کشور گفت: از سال ۸۴ تمامی خدمات تخصصی روانشناسی و براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی توسط سازمان بهزیستی کشور مجوز دریافت می‌کنند که این خدمات مشاوره ازدواج و خانواده است. لذا براساس تفاهمنامه امضا شده میان وزارت ورزش و جوانان و همچنین سازمان روانشناسی، این وزارتخانه حق صدور مجوز فعالیت مراکز مشاوره را ندارد به‌طوری که این تفاهمنامه کمتر از دوسال پیش به امضا رسیده است و هم‌اکنون نیز وزارت ورزش و جوانان براساس این تفاهمنامه عمل می‌کند.

متن تفاهمنامه امضاشده میان سازمان بهزیستی کشور و سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران به تاریخ ۲۳مهرماه ۹۲ درخصوص نحوه اجرایی آیین‌نامه ساماندهی مراکز خدمات روانشناسی و مشاوره به شرح ذیل است.

۱- درخواست تأسیس مرکز مشاوره به خدمات روانشناختی می‌بایست صرفا از طریق سازمان بهزیستی کشور صورت گیرد.

۲- سازمان بهزیستی کشور مکلف است بدوا صلاحیت علمی و تخصصی (مطابق ضوابط مورد‌عمل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره) متقاضیان تأسیس مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی را از سازمان نظام روانشناسی و مشاوره استعلام و در صورت تأیید سازمان مزبور اقدام به صدور مجوز تأسیس و فعالیت مرکز نماید.

۳- نظارت تخصصی در مراکز مشاوره و خدمات روانشناختی برعهده سازمان نظام روانشناسی، مشاوره و نظارت عمومی بر مراکز یاد شده برعهده سازمان بهزیستی کشور است.

۴- برای تمدید مجوز فعالیت مراکز مشاوره و خدمات روانشناختی فعلی نیز مفاد تفاهمنامه‌ای که در این خصوص تهیه می‌شود، ملاک عمل خواهد بود.

۵- بدیهی است تفاهمنامه مربوطه می‌بایست به امضای بالاترین مقام دو دستگاه برسد.

این تفاهمنامه در تاریخ ۲۳ مهرماه ۹۳ با امضای صادقی، سرپرست امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی و دستگاه‌های اجرایی به سایر دستگاه‌ها از جمله سازمان بهزیستی کشور و سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شده است.

۱۹ عکس نگاری مشارکتی

شما خواننده گرامی می‌توانید بر اساس عکس چاپ شده در این بخش و بر مبنای اطلاعات مندرج روی عکس، هرگونه توضیح، ترجمه و خاطره‌ای را برای ما ارسال کنید. ماه دیگر در همین روزها همین شماره، این عکس مجددا منتشر و مطالب ارسالی شما به همراه آن چاپ خواهد شد. ایمیل: khanevadeh.shahrvand@gmail.com

کفش‌های نو - اثر جرالد والر، هنرمند اتریشی ۱۹۴۶ و رفل ۶ ساله، در نوانخانه‌ای در اتریش. کفش‌های نویی که توسط صلیب سرخ آمریکا به او اهدا شده در آغوش می‌کشد.

نگاه ویژه

قضات خانواده، پرونده‌ها را خواهند خواند!

اگر شما هم شنیده باشید که معاون فرهنگی قوه قضائیه گفته است قضات دادگاه خانواده دیگر نمی‌توانند بدون مطالعه پرونده حکم به طلاق دهند! قدری تعجب می‌کنید و این سوال برای تان پیش می‌آید که مگر تا به‌حال این گونه بوده است؟ عنوان این موضوع تنها برای این مسأله است که روند طلاق کارشناسی و دشوارتر شود تا شاید شرایط تداوم زندگی مشترک به‌وجود آید. اصلا شما با روند جدایی و آنچه در دادگاه اتفاق می‌افتد و نقش قضات خانواده آشنا هستید؟

رواج طلاق در بین خانواده‌های جوان در سال‌های اخیر مسئولان نهادهای مختلف را بر آن داشته تا برنامه‌ها و طرح‌های مختلفی را برای کنترل و کاهش میزان طلاق در جامعه به کار بگیرند هرچند تداوم و بعضا افزایش آمار طلاق در بین خانواده‌های جوان نشان می‌دهد دستگاه‌های مربوطه در این زمینه از موفقیت چندانی برخوردار نبوده‌اند؛ تا جایی که براساس آخرین آمار، حدود ۵۰درصد طلاق‌ها در ۵سال ابتدایی زندگی مشترک رخ می‌دهد. طرح حمایت از خانواده پایدار یکی از طرح‌هایی بود که از سوی معاونت فرهنگی قوه قضائیه و به منظور ارایه مشاوره به زوج‌های در شرف طلاق اجرا شد و اجرای آزمایشی این طرح در استان خراسان‌رضوی، کاهش ۲۵درصدی طلاق بین خانواده‌های متقاضی جدایی را به دنبال داشت. تمرکز اصلی مسئولان اجرای این طرح، ارایه خدمات مشاوره‌ای به زوجین برای منصرف کردن آنها از طلاق و بازگشت به زندگی مشترک بود اما بخشی از آمار طلاق در کشور به‌ویژه طلاق توافقی، به عملکرد قضات دادگاه‌های خانواده باز می‌گشت؛ حجت‌الاسلام هادی صادقی، معاون فرهنگی قوه قضائیه به تسنیم در پاسخ به این سوال که آیا در راستای اجرای برنامه‌های کاهش طلاق، به عملکرد قضات در این زمینه و صدور راحت احکام طلاق توافقی توسط برخی قضات نظارت دارید، گفته بود: این کار در قانون قدیم توسط برخی قضات انجام می‌شد اما در قانون جدید دیگر نمی‌توان چنین کاری انجام داد. زوجینی که درخواست طلاق دارند باید حتما به مراکز مشاوره معرفی و ارجاع شوند، مراحل مشاوره طی شود، مشاوران مربوطه رأی به عدم سازش طرفین دهند، بعد از آن قاضی تصمیم نهایی را بگیرد. یکی دیگر از اقدامات در این زمینه، الزامی شدن حضور قاضی مشاور زن در دادگاه‌های خانواده است که آنها باید اینتا نظر خود را اعلام کنند و قاضی نمی‌تواند به راحتی نظر آنها را رد کند و اگر هم واقعا بنای رد نظر قاضی زن را دارد، باید با استدلال کامل این کار را انجام دهد. قاضی اصلی باید در کنار نظرات کارشناسی مشاوران و قاضی زن، خودش هم اصل پرونده را مطالعه کند و دیگر نمی‌تواند بدون خواندن پرونده حکم به طلاق بدهد. وجود قضات زن یکی از راهکارهای مناسب در جهت حمایت از خانواده محسوب می‌شود. قبل از انقلاب هیچ یک از قوانین مربوط به استخدام قاضی، مرد بودن را شرط اشتغال به شغل قضاوت محسوب نمی‌داشت. اولین قانون مربوط به استخدام قضات در سال ۱۳۰۲ تصویب شد و در آن اشاره‌ای به لزوم مرد بودن قاضی یا ممنوعیت قضاوت برای زنان نشده بود اما عملا تا سال ۱۳۴۸ زنان به خدمت قضایی پذیرفته نمی‌شدند یا خود داوطلب این شغل نمی‌شدند. نخستین‌بار در سال ۱۳۴۸ تعدادی زن به کسوت قضا در آمدند و ۵ زن ابلاغ قضایی گرفتند. پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران با استناد به برخی آیات و احادیث و منابع فقهی شیعه و اعتقاد به اجماع مسلم در منع قضاوت زنان، این که زنان شرعا حق قضاوت ندارند، موجبات تغییر قانون شد و استخدام قاضی زن متوقف شد. شورای موقت انقلاب در تاریخ ۵۸/۷/۱۴ مصوبه‌ای را تصویب کرد مبنی بر این که پایه قضایی قضات زن به پایه اداری تبدیل شود یا بنا بر تمایل خودشان به ادارات و وزارتخانه‌های دیگر منتقل شوند. با این حال در قانون اساسی در مورد شرایط قضات سخنی به میان نیامده است و قانونگذار صفات و شرایط قاضی را طبق موازین فقهی و مستند به اصل ۱۶۳ قانون اساسی به قانون عادی محول کرده است. ۳سال بعد در اجرای اصل ۱۶۳ قانون اساسی، قانون شرایط انتخاب قضات در اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت که به موجب آن قضات باید واجد شرایط زیر باشند: ۱- ایمان ۲- عدالت ۳- تعهد عملی به موازین اسلامی ۴- وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران ۵- طهارت مولد ۶- تابعیت ایران ۷- مرد بودن ۸- دارا بودن اجتهاد یا وجود اجازه قضا از سوی شورای عالی قضایی ۹- عدم اعتیاد به مواد مخدر اما ۲سال بعد و در بهمن ماه ۱۳۶۳ تبصره ۵ الحاقی به ماده واحده شرایط قضات تصویب شد. براساس این مصوبه در مورد وضعیت زنان قاضی تحولات شگرفی به عمل آمد. بر این اساس زنان قادر شدند تا پایه قضایی خود را حفظ کنند. در دادگاه‌های مدنی خاص و اداره سرپرست صغار به‌عنوان مشاور انجام وظیفه کنند. این امر به نوبه خود توجه جدیدی به حفظ حقوق مکتسبه زنان بود، اما همچنان با وجود این تحول عدم اشتغال زنان به قضاوت همچنان مورد تأکید بود. سال ۱۳۷۱ و براساس قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش‌بینی شد که دادگاه مدنی خاص در مواقع لزوم می‌تواند از بین بانوان واجد شرایط قانون شرایط انتخاب قضات، مشاور زن داشته باشد. ۳سال بعد چراغ سبز به قضاوت زنان باز هم پررنگ‌تر شد. به موجب تبصره ۵ الحاقی به قانون شرایط انتخاب قضات مصوب ۱۳۷۴ رئیس قوه قضائیه اجازه یافت بانوانی را که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۴ باشند، با پایه قضایی جهت تصدی پست‌های مشاوره دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص، قاضی تحقیق و دفاتر مطالعه حقوقی و تدوین قوانین دادگستری و اداره سرپرستی صغار و مستشاری اداره حقوقی و سایر اداراتی که دارای پست قضایی هستند، استخدام کند.

اما حالا با توجه به تصویب قانون «حمایت از خانواده»، نیاز به قضات زن وجود دارد و تعدادی از بانوان در قالب محاکم حقوقی، مشغول این فعالیت می‌شوند. در سال ۹۰ و ۹۱ ورود زنان به آزمون قضات ممنوع بود ولی با تصویب لایحه حمایت از خانواده و الزام دستگاه قضا برای حضور مشاوران حقوقی و دادیاران زن در محاکم خانواده این امکان به‌وجود آمد. براساس برنامه پنجم توسعه قوه قضائیه می‌تواند در مدت ۵سال ۴هزار قاضی را استخدام کند تا سال گذشته بنا به گفته مدیرکل کارگزینی قضات قوه قضائیه بیش از ۹هزار قاضی در کشور فعال بوده که از این تعداد ۷۰۰ نفر را زنان تشکیل می‌دادند.